

پدر شعر انگلیسی

بقلم

ج ۰۰۰ ب ۰ پیل

جفری چوسر که بسال ۱۳۴۰ در لندن متولد و در سال ۱۴۰۰ همانجا بدرود زندگی گفته در ادبیات انگلیس

بنام پدر شعر معروف است . این تسمیه نه از ان بابت است که او اولین شاعر انگلیسی بوده بلکه وی نخستین شاعری است که شعر انگلیسی را با زبان و اسلوبی نظم کرده که تا امروز هم باسانی مفهوم و مشخص است .

چوسر بر حسب تصادف سر سلسله یکدسته از نویسندگان انگلیسی منجمله 'لمب' و 'ترولوپ' و 'همبرت وولف' بوده که در عین حال در خدمت درباری نیز بوده اند .

راجع بزندگانی چوسر اطلاعات فراوانی در دست است مثلاً میدانیم که در سال ۱۳۶۲ در مقابل خدماتی که در دستگاه سلطنتی انجام داده بود مقرری مخصوص در حق وی تعیین

گردید و بعداً در سلیک خدمتگزاران دوک 'لانکستر' با زبان لاتین کم است . این مرد قابل ملاحظه بعد از مدتها خدمات سلطنتی در آمد و در هنگام مرگ همسر دوک مرثیه ای که یکی از اولین اشعار اوست در تحت عنوان 'مرگ دوشس بلاش' برشته نظم در آورد .

موقعیکه در دستگاه سلطنتی بود چند گاهی بمأموریت در ایتالیا گذراند و مطالعات مفصلی در ادبیات ایتالیائی نمود و بدین ترتیب اسلوب جدیدی کسب کرد که او را بدون تردید از همه شعرای انگلیسی عصر خود ممتاز گردانید . وی در مدت خدمت بچندین پست مهم رسمی منصوب گردید از جمله باز رس گمرکی پشم و چرم و نیز چندین بار مورد عواطف شاهانه قرار گرفت .

اما چون شاه در گذشت روزگار چوسر بسختی کشید و ناچار شد عریضه ای که خودش انرا 'شکایت از کیسه' مینامد برای درخواست مساعدت بدربار بفرستد این درخواست بیجواب نماند و چنانکه میدانیم در شب عید نوئل سال ۱۳۹۹ سند واگذاری خانه بزرگی واقع در باغ نماز خانه 'سنت مری' در کلیسای و ستمینستر پچوسر تسلیم گردید .

چوسر در جوانی متأهل گردید و زنش فیلیپا نام یکی از ندیمه های ملکه فیلیپا بود عده افراد خانواده اش معلوم نیست . ولی چوسر در تحت عنوان 'پسر کوچک من لیوئیس' اشاره محبت آمیزی نسبت به یکی از آنان مینماید . این پسر کوچک همان کسی است که شاعر کتاب نثر خود موسوم باسطرلاب را بوی اهداء کرده است . رساله نامبرده از روی غرور پدری با کلمات زبرین شروع میشود . 'فرزند عزیزم لیوئیس کوچولو - از قرابین و آثار کاملاً بر من معلوم شده که ترا در علوم اعداد و تناسب استعدادی خاص هست' . چوسر این رساله را بانگلیسی تدوین کرده به پسرش چنین خطاب میکنند . 'پسرک کوچکم فعلاً آشنائی تو



او در فرانسه، اسپانیا و هلند معروف شد و در انگلستان خواه در نثر و خواه در نظم بزرگترین نویسنده عصر خود بشمار میرفت. البته نباید انتظار داشت شعری که هفتصد سال پیش گفته شده از حیث ترکیب و کیفیت لغات با ادبیات امروزی یکسان باشد معبدانوشتهای چوسر مخصوصاً «حکایات کانتربری» او امروز نیز همان گیرندگی را دارد که در زمان خود داشته است. چه که در واقع روح جذاب آن پیوسته موجبات شهرتش را فراهم میسازد. البته املائی کلمات در بسیاری از موارد با املائی امروزی فرق کرده و ترکیب نحوی عبارات غالباً دگرگون است. با اینهمه یکنفر انگلیسی تربیت شده بخوبی میتواند از آثار وی استفاده نماید. منتها معنای پاره ای لغات را باید با کمک قاموسهای مخصوص فهمید و در اینصورت با کمی حوصله قادر خواهد بود نوشتههای چوسر را مانند یک روزنامه عادی و شاید با علاقه و استفاده بیشتری بخواند.

رو بهمرفته چوسر شش یا هفت دیوان مهم و چندین اشعار کوچکتر بنظم در آورده است. بعلاوه چند اثر معروف را با انگلیسی ترجمه کرده که از انجمله کتاب تأثیر معنوی فلسفه اثر «بوتیوس» میباشد.

بدون تردید بزرگترین و مطبوعترین آثار او منظومه مفصل «حکایات کانتربری» است که در ضمن آن روحیات طبقات مختلفه زائرین بقعه «سن توماس بکنت» واقع در کلیسای کانتربری را بما معرفی میکند. زوار نامبرده عبارتند از یک شوالیه، یک آسیابان، یک طبابخ، یک راهبه و یک حقوق دان. این مسافرها هنگام راه پیمائی در جاده معروف بجاده «زوار کانتربری» یکدیگر را با گفتن حکایات مشغول میدارند. چوسر این جاده را بخوبی بلد و از آن باخبر بوده زیرا در ضمن مأموریتهای گمرکی خود مکرراً از کنار رودخانه تمس واقع در ناحیه «کنت» میگذشته و بطور قطع در پاره مواقع بناحیه کنت و کرانه دریا هم سری میزده است.

افسانهای کانتربری از نظر روشن نمودن عادات و افکار مردم انگلستان در قرون وسطی بینظیر میباشد زیرا که مؤلف آن (چوسر) با مهارتی فوق العاده ما را بروحیه و اخلاق طبقات مختلف آن عصر مانند بازرگانان، راهبهها، کشیشها، پزشکان و کدبانویان آشنا میسازد.

افسانهای نامبرده جور بجور است پاره ای از آنان با عبارات ساده نوشته شده و در ضمن شوخیهای تمکین «رابل» در آن دیده میشود، پاره دیگر انشای دراماتیک دارد بعضی هم غم انگیز است ولی کلیه ان افسانههای دلکش با یک روح خیالی و الفاظ بدیع شاعرانه تنظیم شده است. آغاز این شعر بانگارش و نقاشی یکی از بهترین مناظر زیبای انگلستان موشح است و بقسمی زیبا و دلکش ترسیم شده که در هر عصری چه قدیم و چه جدید مرغوب و دلپذیر میباشد.

هنگامیکه ماه آوریل بارگبارهای خود خشکی ماه مارس را تا بیخ و بن میشکافد هنگامیکه نسیم صبا با نفس روحبخش خود هر گل و گیاهی را جانی تازه میبخشد و نباتات سرسبز و لطیفند و آفتاب

نیمی از حرکت خود را در برج حمل بیابان میرساند و پرندگان کوچک مشغول ترنم میشوند

سپس روحیه هر یک از زوار را استادانه برای ما تشریح میکند. مثلاً راجع بشوالیه چنین میگوید:-

سواری در اینجا بود که از لحظه اول اسب سواری بمردانگی و جوانمردی واقعی عشقی داشت این جوانمرد شرافت، درستی، آزادی و ادب را از جان میپرستید

بهرحال این منظومه عالی را که منظره ای بدیع از انگلستان قرون وسطی نشان میدهد، نمیتوان خلاصه نمود. اشخاصی که آنرا مطالعه میکنند در ضمن تصورات تصویر نیمه روشنی از اخلاق خود شاعر نیز درک میکنند که نسبت ببانوان نظریه عالی جوانمردانه ای دارد و راستی و محبت را برای هرکس لازم میشمارد و بذله گوئی معتدل را مطبوع میداند.

خوشبختانه چوسر در عصر خویش نیز مجهول القدر نماند «کاکتن» که از معاصرین وی بوده در باره او چنین می نویسد. «مقام چوسر در تمام انارش از همه نویسندگان انگلیسی بالاتر است» و بعدها «لاول» در باره او اینطور نوشت «بتدریج که آثار چوسر را میخوانیم و مطالعه میکنیم در مییابیم که او آهسته آهسته از مطالب عادی بمطالب عمومی توجه میکند و بخوبی میتواند از لحاظ درک حقایق بشریت در ردیف «همر» قرار گیرد.»